



مردم های امیدوار

ردم

ل هر کروهی میوروند بدون اینکه شناختی صحیح از اسلام داشته باشد. بنابراین باید مردم را روش و آگاه کرد مثلاً از طریق مهای گروهی یا عده‌ای که مورد اعتمادند یا سخنرانیها، البته از نگرانیها امید به امام است.

ادر دیگرمان میگوید این مسئله که هر کسی میگوید "من بگرانم" است و ریشه‌اش بر میگردد به تربیتی که طی سالها داشته‌ایم از عدم وجود اعتماد بین مردم به حاکم‌های میان طرز تربیت است. در جواب میگوید راه کوههای ندارد، شاید فقط صفات تنها راه چاره باشد. زیرا این راه اشتباهات را مردم زودتر می‌پذیرند و هم در درازمدت به اسلام خت واقعی پیدا خواهد کرد.

وی میگوید امید من فقط به مردم است. چون مردم همیشه ماند بعکس به جماعت روش فنکر اصل اعتماد ندارم بنظر من الان توجه مردم افراد را راهنمایی میکند. البته وجود امام هم امید من است زیرا کسی جای ایشان را نمی‌گیرد.

کی از خواهان در رابطه با چهار شوال مطرح شده اظهار داشت که من از روزنامه انقلاب اسلامی است که باعث تضعیف آقای صدر است. و ما جون نمی‌خواهیم شخص دوم مملکتمان تضعیف باید در این روزنامه پاکسازی انجام گیرد. دیگر اینکه مجلسی را امید بآن داشتیم کاتونی شده برای مبارزه با رئیس‌جمهور و رأی‌گیری این آقای بعنی صدر نباشد از بجهه‌های جهاد فاصله بگیرند. ما پستیبان ایشانیم و در صورتیکه جهاد بخواهد در زیر پوشش همی بخصوص درآید استغفا میدهیم. ما می‌خواهیم فقط پیرو خط پایش و پستیبان رئیس‌جمهور. وی میگوید جراحتی کسی بخواست برضد رئیس‌جمهور عمل کند وای داد. می‌بریم برای روزی انقلاب بجهه چیزی امید بسته‌اید. جواب میدهد: فقط به امام، یکی دیگر از بجهه‌های جهاد گفتگو میکنم. نگرانی او از اختلافات مسئولین است وی میگوید همه همدیگر را متهم و افتخار میکند. نی دوم من ببکاری است که ام الفساد است. البته توقع نداریم بک شبدره صد ساله برویم ولی توقع هست که شکم زن و بجهه‌های سیر بشود. نیروهای جوان باید جذب شود بکار. جراحتی هم بودجه دارد و هم امکان. نگرانی دیگر ناهمراه‌گی تاختاندها و عدم همکاریان با نهادهای انقلابی مثل جهاد است بکار، امروز و فردا کردن ادارات، وضع آموزش و پژوهش، سانسور نامدها و... از نگرانیهای من است. وی ادامه داد راه حلی که به من می‌آید جذب نیروهای بیکار و جلوگیری از تورم است که رو به پیش است. امید نیز به امام و رهمنوادهایش بیباشد. همچنین هم بین مسئولین.

کی دیگر از برادران جهاد میگوید. مشخص نبودن خط‌های ولین و پاشوارشان روی عقیده‌خود نگران‌کننده است و دلیلش عنایتی به دستورات امام و فراموش کردن مردم در رابطه با للافات است. مسئولین باید پیامهای امام را که باعث حل تمام لات است اجرا نمایند. امید من به امام است.

بنام خدا
بن بار برای آشناشی با نظریات گروهی دیگر از مردم به دفتر تحکیم
حددت رفته و با تنتی چند از خواهان و برادران فدار کارمان که
نت خود را بدون گفتگویین توقیع در اختیار امت مسلمان نهاده اند
گفتگو پرداختم.
یکی از برادران در جواب سوال من نگرانیش را در عدم اطاعت
امام میداند و ادامه میدهد امام توصیه اش بر اصول و روشهاست و
در کس که در عمل بخواهد جای تکیه بر اصول و روشها، سائل
خصوصی و حب و عیضها را طرحو کند از راه امام بدور است و این خط
رسزگی است که من رسیه اش را در حب نفس می بینم و چاره دراینست
افراد حب نفس را کنار گذاشته و در واگذاری مسئولیت به افراد
جای روابط شخصی روی ضوابط تکیه گذشت. البته لازمه شما اینست که
دل خودشان را درست گذند؛ زیرا همانطور که امام فرمودند، انسان
خودش را درست نگذند، دیگری را نمی تواند درست گذنشود و دیگران
رسنندون، جامعه درست خواهد شد. از وی سوال کردم علی-
غم نگرانیها امیدشما به چیست؟ میگوید به توهه های مردم گز
ناداقنه از امام پیروی میگذند و به نفع این مجلس شورای اسلامی،
را در دیگری که از ابهر آمده و گویا مشکلاتی در جهاد برایش وجود
اردنگیگوید عدهه ترین نگرانی من انحصار طلبی در جهاد است. به
نظر من جهاد سازندگی تنها نهادی بود که مستقل عمل میکرد و
یزی پای خودش بود ولی حالا تبلیغات سوئی از طرف بعضی گروهها
نشود و تمثنهایی به بچه های جهاد میزینند مثلًا با وجود اینکه من
بسنے به هیچ گروهی نیستم و حتی قبل از فرمان امام در ابهر با
دمای از بچه های این جمن اسلامی به قعالیت پرداختم، حالا متهم
غیرمکنی بودن هستم. بنظر من جهاد را میخواهند از استقلالش
ور گذند تا تبلیغ گذنده عدهای در دهات و اطراف باشد و این به
لیل اینست که موضع قدرت قاعن نیستند البته نفس قدرت خود به
بود به انحصار طلبی کشیده میشود. وی بعنوان راه حل معتقد است
که عده از افراد مورد اعتماد به این مشتل رسانیدگی گذند تا دیگر
کسی به بچه های جهاد کمونیست و جنبشی نگوید. انحصار طلبی در
جهاد کار را به جایی رسانده که عدهای از بچه ها استغفا داده اند.
پرسش امید شما به چیست؟ جواب میدهد: امید به ویزدگاهی
قلابیان است که یکی از آنها هیبری امام است. بچه های
میدند تنها چهره و تنها امید انقلاب کار میگذند و این واقعیتی است.
با برادر دیگری به گفتگو می نشینم نگرانی ای، انحراف از خط
امام و چیزهایی که این اتفاق را آن تاکید دارند. وی ریشه را در عدم
خورد قاطع با سائل عنوان کرده و چاره و درسربدن کار به خود
نمی دم شاخته است. میگوییم امید شما به چیست؟ جواب میدهد به
آن.
یکی از خواهان نظریاتش را در این مورد بیان میکند و میگوید
گر میکنم، روحانیونی که صلاحیت کار را ندارند در بعضی جاها
خنده کرده اند و این خط بزرگی است. من ریشه اشکالات و ادرعف
ردم میدانم چون قبل از اینکه هدفی داشته باشند و فکر گذشت

A black and white illustration of a sunburst with clouds. The sunburst is composed of numerous thin, radiating lines. It is partially obscured by several stylized, fluffy clouds. The clouds are shaded with cross-hatching, giving them a three-dimensional appearance. The overall style is reminiscent of mid-20th-century children's book illustrations.

شکل گرفته اند، این از بزرگترین دست آوردهای و پیزگاههای انقلاب است که این اتفخار میکنیم. اما خود این مطلع سرشت انقلاب اسلامی است و آن اساسی ترین و پیزگی سرشت انقلاب ما اینست که یک حزب واحد یک کرده اند و رهبری نکرده. اگر کرده بود امروز ما می توانستیم این شهاده های انتخابی را داشته باشیم. خطیرو که باهم مهارت هدید میکند اینست که کسانیکه دارای اندیشه های التقاطی در زمینه های سیاسی پا ایدثولوژیک هستند. نتوانند این را بهمند دچار توهمند شوندن ملا این اصلی را که مارکسیستها طریق کردند در دنیا که بعد از انقلاب باید دیکتاتوری برولتاریا باشد، حالا دنده ای بگویند دیکتاتوری برولتاریا مارکسیستی است ما اینکار را می کنیم بلکه یک نوع دیکتاتوری اسلامی بوجود می اوریم، این بزرگترین مربیهاست که بر جامعه ما و بر پیکر انقلابیان می تواند بخورد. این غلاف طبیعت انقلاب ماست. اگر بخواهد اینطور بشود شما مجبورید ملیه فطرت این انقلاب حرکت کنید. بهمین دلیل نه تنها در جامعه جا می افتد و عملی نخواهد شد بلکه ایجاد یک سلسله مشکلات درونی خواهد کرد چون شما نمی توانید بعد از پیروزی انقلاب حزب واحد و جیشه واحد درست کنید. آن سازمانی که آمده انقلاب را رهبری کرده اگر کوئیستها میگویند و یاد راه های دیگر دنیا اتفاق افتاده، آن سازمان رهبری کنند و واحد انقلاب در طی دوران انقلاب، بیست سال می سال در درون این فعالیتها شکل گرفته و تبلور پیدا کرده و آب دیده شده و می تواند با یک کادر های وزیریه جامعه را اداره کند. نه

وڈشیناں -

میگوییم دلیل این وضع را در چه می بینی . جواب میدهد ،
سایی . دولت نفعی رسد ، شهردار تاحیه ۵ به میگوید من فقط
وامن برای شما آسفالت کنم و جوب درست بکنم و ...
امید شما به چیست ؟ امیدی ندارم ، امید من ناالمید است .
حواله دیگر میگوید آقای بخیر صدر باید رسیدگی کند هیئتی با
ای را برای رسیدگی بفرستند .
- بانوی خانه دار ، ۳۷ ساله ،
نگرانی شما از چیست ؟ نگرانی بیکاری .
دلیلش چیست ؟ نمیدانم .
را ، هل مشکلات مملکت چیست ؟ انشاء الله مجلس باید درست
بکند .

A black and white photograph capturing a moment of social interaction on a street. In the center, a man wearing a striped shirt is seated on a motorcycle. Behind him, three women in traditional Indian sarees are standing, engaged in conversation. To the right, another woman in a saree is partially visible, looking towards the group. In the lower-left foreground, a child is seen from behind, looking up at the adults. The background shows a simple building with a doorway, suggesting an urban or semi-urban setting. The overall atmosphere is one of a casual, everyday gathering.

الله الرحمن الرحيم

پرآگنده شوند.

او راه حل را در سختگیری به متاجوزین میداند و امیدش به خدا، آقا، رئیس جمهور و اجرای قاطع قانون است.

یک جوان ۱۴ ساله و کارگر خیاط میگوید مشکل بزرگ توطنه آمریکا و ضدانقلاب داخلی و خارجی است و مردم باید کوشش کنند مملکت درست بشود. او دلیل این وضع را در شایعه پراکنی می بیند و امیدش به خداست.

جوانی که گویا خودش معناد است نگرانیش به مبارزه با مواد خدر مربوط میشود: او میگوید برای معنادین جا درست نکرده اند آخر آنها هم مال این مملکت هستند. دولت میتوانست در تاسیس تمام مدرسه ها را تخت بزند، و از مساجد برای معالجه استفاده کند.

سؤال: بینظر شما علت چیست؟ جواب: کمود دارو و نارسانی کارها، من امیدم به خداست که وضع درست شود.

- نظر یک بانوی ۳۵ ساله و خانه دار،

سؤال: نگرانی شما از چیست؟

جواب: از اینکه این گروهها دختر و پسران ما را بطرف خودشان میکشند ما هم که سواد نداریم نمیتوانیم با آنها بحث کنیم چند وقت پیش پسر ما بطرف مجاهدین کشیدند، من آب شدم تا او را برگرداندم.

سؤال: دلیل نگرانیها باتان را در چه می بینید؟

جواب: در گروهها، اینها نمیخواهند انقلاب «جلو» بروند.

سؤال امیدتان به چیست؟

جواب: به خدا و رهبر، خدا بحق علی آبروی امام را حفظ کند.

- با برادری ۱۹ ساله و کارگر آسفالت کار گفتگو میکنم.

نگرانی من از گرایی است. و مسئولیتین باید از این کار جلوگیری کنند. دلیل این وضع اینست که کسی به اینها سختگیری نمیکند.

سؤال: امید شما برای پیروزی انقلاب به چیست؟

جواب: امیدم به خداست.

پیائید با هم به یکی از گودهای جنوب شهر تهران برویم و با بریات بعضی از آنان آشنا شویم. همان قشر از مردم که صادقانه ای انقلاب خون هدیه کردند و متنافانه کوش شنواشی نیز برای یکیندین فریادهایش نیافتند.

- با پدری ۵۲ ساله که شغلش خرازی است گفتگو میکنم. او رانیش از گرایی است بقدیری که بنظر میرسد میخواهد فریاد بزند.

میگوید من اصل بک پنکه هم نتوانستم براوی فروش بباورم چون متربهای من همه همین بیچاره ها هستند و نمیتوانند قیمت گران که را بپردازنند. بعد در حالیکد جعبه سیگار را نشانم میداد گفت خر چرا من باشد ۱۰ تومان پول سیگار هما بدhem. یا الا! چرا قدر امام و رئیس جمهور میگویند به جنوب شهر پرسیده رسیدگی نمیشود. دولت باید این چیزها را درست کند. سوال پیکتم میدانید لیل گرانی چیست؟ در جواب میگویند: البته یک مقدار جنس آنی آید و یک مقدار هم اینبار میکنند. او راه حل را در دست دولت میداند و معتقد است قاطعیت باید بکار رود. بعد از بیمهها، امید من پدر به پیروزی انقلاب است تا پتواند راحت تر زندگی کند.

- از یک خواهر خانه دار که چهل سال دارد میپرسم نگرانی ها از چیست میگوید این کشت و کشتار و قاچاق فروشی باید آرام گیرید.

سؤال: دلیلش چیست؟

جواب: دست خارجی تو کاره که مردم بدپخت شدند. مردم بد همکاری کنند و دستشان توی دست هم باشند.

سؤال: امیدتان به چیست؟

جواب: به خدا و آدمهای خوب.

- خواهر دیگری میگوید ما توی خانه ای زندگی میکیم که اگر تویش بینندن نمیماند. شیها هم یک منت دزد و فاجاچی و چددز مراحم ما هستند. چند وقت پیش یک عدد از گودنشینان را، جاهای مختلف بردند، حالا گویا میخواهند ما را هم ببرند و هریرک! نمیدانم چرا یکدفعه ما را به شمیران و جاهای خوب ببرت میکنند.

A black and white illustration featuring a sunburst at the top, composed of numerous radiating lines. Below the sunburst are several stylized, fluffy clouds. The clouds are rendered with different patterns: some have solid grey shading, while others have a dotted or halftone dot pattern. The overall style is reminiscent of mid-20th-century children's book illustrations.

دکتر ابراهیم بیزدی :

بطور کلی من بد لائل
مختلف ، یعنی بلحاظ
اعتقاد بخدا ، تجر به
سی و چند ساله و
اعتقاد و شناختی که به
انقلاب و مردم دارم ،
به آینده خیلی خوبشین
و امیدوارم

- در رابطه با مسائلی که انقلاب با آن درگیر است، عمدۀ تربیت سلمانی‌ای که فکر شمارا بخود مشغول داشته چیست؟
- ریشه وعلل آن چیست؟
- راه حلی که اوانه میدهدید، کدام است؟
- علیرغم تمام مشکلات و نگرانیهای موجود، آمید شما به چیست؟

www.scholarone.com

مصاحبه با جی پرمی

عده نهرين تريليون دلاري مساحتها 1.5 ميليون كيلومتر مربع و شکست آن می باشد به جهات عدديهای که انقلاب ما نهانتها در پهلوی املا ملت ایران يك تمهدي دارد بلکه انقلابی است که در سطح جهان يك رسالت و وظيفه را در معرفی اسلام و اسلامیت گرفته است. شاید برای اولین بار است که بعد از قوهای انقلابی بطور عريان و علني با تمام صراحتش ادعای اسلامیت گرده و با تمام خصوصيات اسلامی وارد صحنه شده و بهمین دليل با دست خالي، با عشق و ايماني که مثل همه حرکتاهای انبیاء بوده وارد صحنه جهانی شده لر و باعتقاد من بزرگترین قدرت سیاسی، نظامی جهان را در هم گوبيده و توانيت پيروز بشود بهمین دليل من معتقدم انقلاب، انقلابی است الهی و در خط حرکت انبیاء و همان تمهيدات را ما الان بر دوش خود داريم. برای من مسئله اي نیست که آیا ما می توانیم برای مردمان را و آب درست کنیم یا نه یا اینکه ما چه حد می توانیم جامعه قیسط و عدل اسلامی را که مورد نظرمان است از نظر اقتصادي بوجود بیا وريم مسئله برای من اينست که آیا این تمهیدی را که در پهلوی دنیای اسلام و مستحقان جهان پذيرفتگيام با اين انقلابمان می توانیم انجام بدھیم یا نه. اين بزرگترین مسئله اي است که فکر من را بخود شفول گرده است.

نگرانی های دیگر عوامل و جهانیاتی که الان در داخل انقلاب روپوشد است. که نگرانی را تشديد میکند و اینهم چيزی نیست جز همان که خود امام فرمودند که از پا زده خرد را زمان سقوط شاه در طی این دوران مبارزه هیچ وقت احسان نگرانی نکردند ولی اکنون در پهلوی مسائلی که در داخل انقلاب رخ میدهد، امام احسان نگرانی میکند بدون شک عوامل مختلفی وجود دارد. يك عامل و يك جريان را من می توانم انگشت رویش بگذارم. يكی از آنها اينست که ما فراموش

بعد از سالها استبداد مطلق اختلافات موجود

طبیعی است، ازچه که غیر طبیعی است،
اینست که ما وجود این اختلافات را انکار نمی‌کنیم

کنیم انقلاب ما اسلامی است و هدف بزرگتر و الاتر در انقلاب اسلامی دادن آن کرامت و شرافت انسانی است به انسان. آن چیزی که در سلطه استبداد از انسان گرفته شده. مسائل بعدی یعنی تحقق قسط اقتصادی در اسلام مسئله‌ای است که اگر قسمت اول درست شود اینهم درست خواهد شد اگر ما این هدف! ملی انقلابیان را نفهمیم شروع می‌کنیم با یاریکوییم خوب یکمال و نیم از انقلاب گذشته، ما هنوز خانه نداریم، چند درصد درآمدها بالارفته؟ چند درصد کار گرفته‌ایم یا نگرفته‌ایم تمام مسائل اقتصادی بروز روی خط اول تقاضاها و نیازها. و آن اصل مطلب که این انقلابی است برای دگرگونی انسانها فراموش بشود و اگر اینطور شود انقلاب ما در سطح انقلابیهای دیگر نیز پیدا خواهد کرد والآن گروههای ضادانقلابی دقیقاً در این خط حرکت میکنند که خوب انقلاب ما تمام شده حالا باید آنها دارند طرح میکنند که خوب انقلاب ما تمام شده حالا باید دید که غنائم آن چی شد. پس چرا وعده‌ها انجام نگرفت درحالیکه اینها نه امروز نه فردا، ونه ده یا بیست سال اینده ممکن است تحقیق پیدا نکند ولی اگر مابتداشیم یک ملتی آزاد و آزاده باشیم و آن تزکیه‌ای که اصل دوم انقلاب اسلامی است تحقیق پیدا نکند آن توفیق این نگرانیها بمقدار زیاد تقلیل پیدا خواهد کرد. آن چیزی که امام رویش نیکه میکنند و میکویند ما برای خدا کردیم و برای خدا داکار می‌کنیم، ملتی که برای خدا باشد، خدا ما با اوست و توجه دادن داشم به آن جنبه‌های معنوی عمیق و عرفانی این انقلاب است. نگرانی دیگر من ایست که ما در این درگیریهایی که بین خودمان هست، اولاً آنرا غیر طبیعی تلقی کنیم که بنظر من غیرطبیعی نیست که بعد از ه غال استبداد مطلق در جامعه‌مان که ما هیچ وقت نمی‌توانستیم با هم حرف بزنیم در کارخانه با هم کار می‌کردیم، در مدرسه با هم درس میخواندیم، در محله با هم زندگی میکردیم، در اداره‌ها هم کار می‌کردیم ولی آن خفتان بین ما جدایی هایی بوجود آوردہ بود که ما هیچ وقت نمی‌توانستیم با هم حرف بزنیم. حالا این جدایی‌ها به برگ انقلاب برداشته شده و درنتیجه ما می‌توانیم با هم حرف بزنیم. البته خیلی طبیعی است که عادت نکرده باشیم با هم صحبت کنیم و حرفهای هم‌دیگر را خوب بفهمیم. و انتظار هم نمی‌توان داشت که یکمایه یا یکساله تمام آن شرایط مطلوبی که برای تفاهم ملّ و عمومی لازم است، بوجود بیاید.

یعنی طبیعت انقلاب است. اینچه که غیرطبیعی است ایست که ما وجود این اختلافات را انکار کنیم و بجای اینکه به حل اختلافات و تفاهم برسیم، شروع کنیم. به موضع گردیهای دربرابر هم و به تعییر امام شروع به خاص کنیم. شروع به این کنیم که تیشه به ریشه همدیگر بزنیم. اینرا من از نظر کلی خطری برای انقلاب دارم. دیگر اینکه هر انقلابی برای خودش طبیعتی دارد و ما باید طبیعت انقلاب خود را فهمیم جامعه و انقلاب هم مثل انسان می‌ماند و مثل انسانها دارای طبیع پخصوصی است اگر ما بخواهیم صحیح عمل کنیم باید طبیعت انقلابیان را بفهمیم. اگر انقلابیان و با تمام انقلابیهای دیگر دنیا می‌باشیم یک ویژگیهایی در آن می‌بینیم که در هیچ جای دیگر وجود نداشته ویژگی ایدئولوژیک هست، نک نیست که ویژگی انقلاب ما اسلامی بودنش. می‌باشد که گفتم فرنیهایست بی‌سابقه است. اما اینکه انقلاب ایدئولوژی داشته باشد منحصر بنا نیست سایر انقلابیا هم دارای ایدئولوژی خاص خود بوده‌اند. ویژگی دیگر انقلاب ما که مختص خودش است ایست که انقلاب ما بوسیله یک سازمان واحد رهبری شده. در جاهای دیگر این سازمان واحد شاید یک حزب واحد بوده یا مجموعه‌ای از گروههایی که یک جبهه را تشکیل دادند و انقلاب را رهبری کردند. ولی انقلاب ما اینطور نبوده. درنتیجه ذر سایر کشورهای دنیا وقتی انقلاب شد، آن سازمان واحد، گنرال سیاسی، نظامی اقتصادی جامعه‌را درست گرفته. بهمن دلیل هیچ وقت بعد از انقلاب انتخابات و رئیس‌جمهور و قانون اساسی و مجلس . . . وجود نداشت. این ویژگی که مختص انقلاب ماست و به آن افتخار می‌کنیم که بد از حدود یکمال که گذشته قانون اساسی مدون و رئیس‌جمهور پیدا کردیم. مجلس منتخب مردم بوجود آمده و این بعاهدهای سیاسی، که میتوان از طلت هستند



موازنهای و سه نظریه

از دیرباز تاریخ ایران سه میوه‌های خود را داشته است. از جنگ جهانی دوم بدینسو این سه نظریه با نمودهای واضح‌تری خود را در جریانات نهضت‌های ملی ایران بنمایش گذاشتند. این سه نظریه عبارتند از:

۱- سیاست موافزه نیزه:

استقلال از هر قدرت بروز مرزی که پخواهد از طریق ایجاد رابطه با ظاهر سلطه داخلی بر طرفی حرکت جامعه را در جهت منافع خویش جهت دهد، اساس و گوهه وجودی این سیاست را تشکیل دیده. از آنجا که این نظریه راه را بر هرگونه تاثیر سلطه خارجی بر ارکان اقتضاد سیاست، اجتماع و فرهنگ جامعه می‌بندد، و از آنجا که تا وقتی سلطه داخلی ناممکن می‌گردد، بدین معنی این نیزه دست بیدهد که بینش "موافزه منفی" بیان راستین فرهنگ، خلق و بدبختی خن بینشی است که تنها در خدمت منافع رنجران و محرومان جامعه فرار می‌گیرد و تکیگاه انسان حامیان این نظریه تنها نیروی لایال مردم است و پس.

صدق بمنابه بیان گنده سیاست "موافزه منفی" در جریان نهضت ملی کردن نفت، در جلسه یکشنبه ۱۲ آسفند ۱۳۴۴ در بحث تخلیه ایران از فوای بیکانه "گفت": "همه میدانند که من از طرفداران جدی سیاست بیطری و موافزه هستم و برای حفظ این سیاست در این مجلس مبارزه نمودم".

و در جای دیگری مشخصه‌های این نظریه را اینکوئه بیان می‌کند:

".... از نظر ملی احمدی، احمدی است. شوال و جنوب فرق نیزکند و موافزه بین آنها یکانه نجات ماست و در سایه این میتوانیم تمام نعمت‌های مادی و معنوی را که مانند یک ملت مستقل حق داریم تحصیل نمائیم. از مسلمانی و آداب آن در برابر برق یوندن اسلام نه برای میل این و آن بپرورد کنیم و به لوازم آن فقط ترس از خدا و عاد، نه متفضیات دنیوی و سیاسی عمل نمائیم. باد شوال، باد جنوب ما را نلرزاند و در درجه ایمان ما تائیر ننماید. من ایرانی هستم و مسلمان و روحانی هرچه ایرانیست و اسلامیت را تهدید کند، تا زنده هستم مبارزه مینمایم"

این عکس آیت‌الله کاشانی را در منزل دکتر مصدق هنگامی نشان میدهد که یک پرچم سه رنگ ایران که توسط داشت آوران دهیده شده، بایشان تقدیم می‌شود.



یادآور آن «روزهای خوب»، روزهای «وحدت»، «تفاهم» و «دوستی»، روزهایی که هنوز وسوسه‌های «خناسان» کارساز نشده بود!

(سیاست موافزه منفی تا لیف حسن کی استوان، جلد دوم صفحات ۲۴ و ۲۵) در اینجا مصدق به یکی از طرفی‌ترین واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی ایران اشاره می‌کند، و آن اینکه بگواهی استقلال و آزادی تنها در اسلام است که ممکن می‌شود و در پرتو حاکمیت بخشیدن به قوانین و احکام واقعی این مکتب است که قدمهای استوار و اساسی در راه استقرار بنیادها و روحانیت اسلام نیز در پرتو مهربانی می‌گردد. و روحانیت است بمنابه ملهم وحدت مردم فراهم می‌گردد. پاسداری از استقلال، بزرگترین انقلابات کشور ما در در همه‌ای اخیر رهبری کرد. چرا که بیاور ما منفی کردن موافزه، تنها و تنها بایه‌برای خدا و در راه خدا عمل کردند. این میتواند تحقیق یابد. لذا سخن از "ایرانیت" منهای اسلامیت سخنی است که تنها میتواند رانده می‌گردید باشد که یا بسکره با واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی، جامعه ایران بیکناند، و یا آکاهانه ایاهای شوم! ملکه می‌گردید مردم حسنهای شما را بخواهیم و می‌خواهیم آنها می‌گردند. ایرانیت نیز نیتواند، بیان واقعی شکل‌بندی اجتماعی تاریخی و ساخت فرهنگی جامعه اسلامی و ایرانی ما باشد.

شاهیار استقلال ایران، تنها، بایه‌برای خدا و در راه خدا عمل کردند. این میتواند تحقیق یابد. لذا سخن از "ایرانیت" منهای اسلامیت سخنی است که تنها میتواند رانده می‌گردید باشد که یا بسکره با واقعیت‌های تاریخی، اجتماعی، جامعه ایران بیکناند، و یا آکاهانه ایاهای شوم! ملکه می‌گردید مردم حسنهای شما را بخواهیم و می‌خواهیم آنها می‌گردند. ایرانیت نیز نیتواند، بیان واقعی شکل‌بندی اجتماعی تاریخی و ساخت فرهنگی جامعه اسلامی و ایرانی ما باشد. بلکه براسas واقعیت‌های غیرقابل انکار، اجتماعی و تاریخی کشور ما استوار ساخته است؟

و آیا این سخن مدرس که "دیانت ما عنین سیاست ماست و سیاست ما عین دیانت" بیان راستین چنین واقعیتی نیست؟

و آیا این سخن مدرس که "دیانت ما عنین سیاست ماست و سید ابوالحسن بنی صدر".

ادامه دارد

معنی میکنند و تعاملی تحلیلشان در "فحاشی" نسبت باین و "مداعی" نسبت به آن خلاصه می‌شود و گروهی

دیگر نیز دیوپوش ظاهری دفاع از "ملی" و در "دفاع از

بنیان علی، مصدق را خیال خود مقام خانی می‌سازند،

آجتان که گوئی از هرگونه خطاگوی می‌باشد و با آسان

و رسانان هائی که مثلًا "کاشانی گفته حتی بقیمت سازش با

انگلیس صدق را بزمین خواهند" (تاریخی سالمندشته

بیرون نیز جنجال ۳۵ ساله، جنجالی که ۲۵ سال پس از

تسویه‌حساب نیز تا امروز ادامه دارد، فقط بر سر "طلاهای ایران"

"این "طلاها" خلاصه می‌شود و عاصه مقدورهای طبیعی"

و متحمل کار چند نسل مردم ایران در این "طلاها" جمع

آمداست! خواننده قطعاً دچار شکنی خواهد شد اگر

بشنود این جنجال ۳۵ ساله، جنجالی که ۲۵ سال پس از

"تسویه‌حساب نیز تا امروز ادامه دارد، فقط بر سر مبلغی

کهتر از ۱۲ میلیون دلار است!" (همان جزو)

باورکنید من در عین حال که در برابر "طبع بلند" و

"نظریه" نویسنده مفترم که لاید از "خاستگاه طبقاتی" شان

ناشی می‌شود، سر تعظیم فرد می‌باشد، ولی هرگز از این

نشدم، چرا که اولاً "مسئله مطالبات ایران از روسیه"

همانکوئه که شر آمد نهایا "طلاها" نموده، بلکه "طلاها"

سها بحثی از مطالبات را تکلیف مداده است و تائیشا

که محمد الله تاریخ‌نگار هستید و خود در جریانات برخانی

آن روزها، "دستی پر همیز" در اطراف داشتند

میدانید که "تحريم اقتصادی" "مخالف از ورود کلا توسط

مریکا و انگلیس و افشارشان" در اختیار فرارندادن از

خارجی براي ورود کالاهای ضروری و "جلوی خود از ازورود

کالاهاییکه قبلاً "خریداری شده" و "مسئله بکوب نان و

گوشت و... "بعیی جه و استدلایلی که شما اقامه کرداید

ما از توشنده جرم‌عامی آب که در اثر شنکی در شرف مرگ باشد و

میگوید جرا ملک به کسری

دای دارد. می‌پرسی برای

جواب مدهد: بدانه نگرانی او از اختلافات

میگردید اینکه باید پیش از میکند.

ادامه داد خواهد در رو بیوش

جهاد اندامیم

جهد شود بکار. جرا که

میگویند بگرانی از میکند

دستی پر همیز

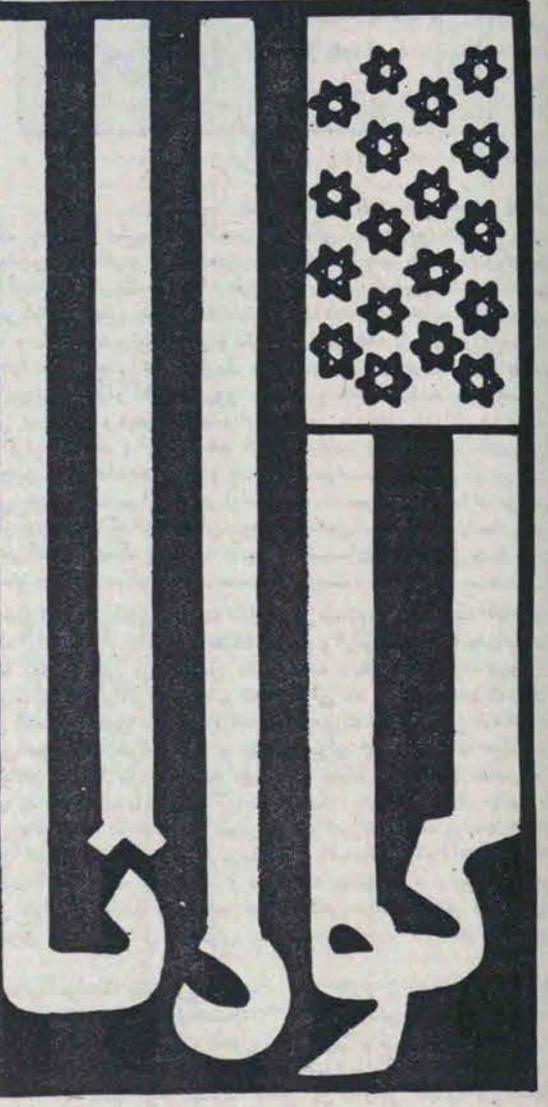
آخر مقاله بعلت اشتباها چاچی، قابل فهم نبود، که

ضم پوش همراه با دنباله مقاله، در این شماره از نظرخان

میگذرد.

احمد تاجیک

قسمت ششم



شاهیار استقلال ایران تها با دو بال

"اسلامیت" و "ایرانیت" است که

میتواند در آسمان پهناور ایران

به پر از در آید اسلامیتی که روحانیت

ظاهر آن بوده و ایرانیتی که کسانی

چون امیر کبیرها و قائم مقام فراهانی‌ها

و... مصدق‌ها بیان گنده آن

و... مصدق‌ها بیان گنده آن

عملکردها و سازوکارهای موضع

سیاسی شخصیت‌ها قابل تبیین نیستند،

اگر زمینه‌های موجود در آن مقاطع

خاص زمانی، فهم نشوند. البته این

اصل زمانی پذیرفته می‌گردد

که بیزیریم که شخصیت‌ها در هیچ مقامی

مطلق نیستند و اینکه «نسبت» بزرگترین

شخصه انسان است

است عظیم‌ترین استعدادهای خداوند انسان را به تیاهی

بکشند و آدمی را در سرشیب هولناک از خود بکنندی به

ست بیله سوق دهد و این بلاه سرشنوشت آدمی را

بدانجا بکشند و این بیله از خود بکنندی به طام طوف

آلوهودتی کارها دست یازد و شکنی آنچه به اوج خود

می‌رسد که آدمی بیله که چنین فرد و دسته و کروه و خوبی،

کوکد به چه جرم "خطی و آزادی" و بخوبی و "عنق به

استقلال" شکنجه شدند و مظلومانه از جوهرهای دار بالا

رفته اند. آری، هموطن من! ایست بیله که فرن هاست از زن و مرد و

کوکد به چه جرم "خطی و آزادی" و بخوبی و "عنق به

ایرانیت" بگند که در این شهادت از زن و مرد و درآور

لکن تعجب آرایی اینجاست که خواننده این جزوه که

برخورده باشد که چنین ادعای مکرمی، بر اینست در

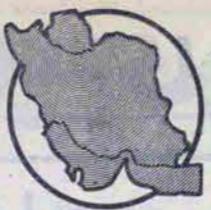
نیومن مسئله طلاها که بگوئی همیزی از اینجا

درست در صفحه بعد پس از کشش از بعضی حواشی

توضیح اوضاع را می‌گفت که قصیه از

که بگویند بزرگترین اتحاد شوروی طلاهای ایران را به

رسیده بگیرد و بگویند این می‌گذرد



و فیلیپین میباشد. اینست که بیمار در این درد خودش به پوشک عاجز میماند.

یک واحد درمانگاه که در مرکز شهرستان قرار گارد بکفر دنیزبرنگ یک پرستک خارجی، و یک ایرانی دارد، ساعت کار درمانگاه از ساعت صبح تا ۲ بعد از هفتم و در عرض ۶ دقیقه در روزگارهای اول و بیشتر نیز در این ده ساعت، در این درمانگاه علاوه بر پرکشان ۲ نفر بهمراه زن و دو نفر مدیدار خامن و دو نفر نکشن آزمایشگاه، ۲ نفر کم تکشین و پنکه ستوں و اکسیسون و بک نفر متول تنظیم خانواده فعالیت میکنند.

عدد روحانی ۱۵۰ نفر است که اکثر آنها روزانه بطور متوسط ۱۵۰ نفر است میهدند و با وجود بی راهی، اکثر اوقات باید ۴-۵ ساعت پوشش در راه میاند.

منطقه از لحاظ بهداشت صفر است و همین باعث شده است که

تاسیانها، بیماریهای غیر انسانی

گردند و بیماریهای غیر انسانی

بیماریهای اهلی شد و پرستگار

بیماری دیگر است که هنوز پس از سالها رسنه است. قطع شده است، سیاه سرفه در نقطه شدت دارد و آنهم بعلت عدم تزریقات و اکسن خد آن که خود بعلت فقدان چاره میباشد این امر بسیار از این موضع متفاوت است.

مجهزیات لازم مورد بگیرد

و تنها آمولاں برای بیماران

آنکه این اتفاق رخواسته شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

جنین مبتلای دیگر طبیب بود سردي آب و هوای خود را در این امکانات جمعت دارد، یک نخت برای

تلوزیون، نسون ستری نمودن اضطراری یک پرست

طبیب، و فعالیت کشاورزی که پرای جاده های ارتباطی با روستا در شکافهای کشاورزی و

آنها را در طبقه شدت دارد و

آنها بعلت عدم تزریقات و اکسن

خد آن که خود بعلت فقدان

چاره میباشد این امر بسیار

محبوب نموده مرکز این انتقال

باید وظیق مسافت

بدون نیازی موردنیزه شده است.

روستاها را به تعداد بزرگ برند

امکانات آموزشی دارند.

بلطفه هر روز ۱۵۰ نفر از هزار

